

عصير القواعد

اعداد

اصلي

- واحد، واحدة
- اثنان، اثنان، اثنان، اثنان
- بعد از معدود می آیند.
- صفت معدود خود هستند.
- ثلاثة، أربعة، خمسة، ستة، سبعة، ثمانية، تسعة، عشرة
- أحد عشر، اثنا عشر، ثلاثة عشر ... تسعة عشر
- بينشان «و» نمی آید.
- عشرون، ثلاثون، أربعون، خمسون ... تسعون
- نامشان «عقود» است.
- گاهی «ین» می گیرند.
- أربعة و ثلاثون، خمسة و تسعون و ...
- مئة و خمسة و سبعون، ثلاثمئة و سبعة و ثمانون
- صدگان + یکان + دهگان
- بينشان «و» می آید.
- ترجمه ← یک، دو، سه، چهار و ...

ترتیبی

- الأول (الأولى)، الثاني، الثالث، الرابع، الخامس، السادس ... العاشر
- به غیر از «الأول» بقیه این اعداد بر وزن «فَاعِل» هستند.
- الحادي عشر، الثاني عشر، الثالث عشر، الرابع عشر ... التاسع عشر
- «الحادي عشر» را خوب به خاطر بسپارید.
- العشرون، الثلاثون، الأربعون، الخمسون ... التسعون
- تفاوتشان با شمارشی ها در «ال» است.
- با «ین» هم به کار می روند.
- الرابع و الثلاثون، الخامس و التسعون و ...
- المئة و الخامس و السبعون، الثلاثمئة و السابع و الثمانون
- صدگان + یکان + دهگان
- تمام قسمت ها «ال» دارند.
- ترجمه ← «یکم، دوم، سوم، چهارم ...» یا «نخستین، دومین، سومین ...»

معدود

- ۱۰ - ۳ جمع و مجرور
- بالاتر از ۱۰ مفرد و منصوب
- مئة، ألف مفرد و مجرور

العمليات الحسابية

زائد (+) / ناقص (-) / في (×) / تقسيم على (÷)

بيان ساعت

- الساعة و دقيقة
- جای خالی اول ← الفاعلة
- جای خالی دوم ← عدد اصلي
- الساعة إلا دقيقة
- جای خالی اول ← الفاعلة (ساعت واقعی + ۱)
- جای خالی دوم ← عدد اصلي (گاهی «ربعا»)

عصير القواعد

فعل

ثلاثی مجرد

ماضی للغائب آن فقط از سه حرف اصلی تشکیل شده است (لیس له حرف زائد) ← غَفَرَ، ضَحِكَ، قَرَّبَ
مصدر آن سماعی است.

ثلاثی مزید

ماضی للغائب آن از «سه حرف اصلی + حروف زائد» تشکیل شده است. ← شاهدَ، اِسْتغْفَرَ

أَفْعَلٌ، يُفْعِلُ، أَفْعِلُ، إِفْعَالٌ

إفعال

- فقط امر این باب با «أ» شروع می شود.
- فعل های این باب غالباً متعدی هستند.
- له حرف زائد واحد. (همزة)

فَعَلَ، يُفَعِّلُ، فَعَّلَ، تَفْعِيلٌ

تفعیل

- فعل های این باب غالباً متعدی هستند.
- له حرف زائد واحد. (تکرار عین الفعل)

فَاعِلٌ، يُفَاعِلُ، فَاعِلٌ، مُفَاعَلَةٌ

مُفَاعَلَةٌ

- فعل های این باب معمولاً با حرف «با» ترجمه می شوند.
- مُفَاعَلَةٌ = فِعَالٌ
- له حرف زائد واحد. (الف)

إفْتَعَلَ، يَفْتَعِلُ، إفتَعِلُ، إفتِعَالٌ

افتعال

- له حرفان زائدان. (الف - ت)

انْفَعَلَ، يَنْفَعِلُ، انْفَعِلُ، انْفِعَالٌ

بابها

انفعال

- شبیه مجهولها ترجمه می شوند.
- فعل های این باب همیشه لازم هستند.
- له حرفان زائدان. (الف - ن)

تَفَعَّلَ، يَتَفَعَّلُ، تَفَعَّلَ، تَفَعَّلٌ

تفعل

- معمولاً با «شد» ترجمه می شوند.
- له حرفان زائدان. (ت - عین الفعل)

تَفَاعَلَ، يَتَفَاعَلُ، تَفَاعَلَ، تَفَاعُلٌ

تفاعُل

- معمولاً با «با یکدیگر» ترجمه می شوند.
- فعل های این باب غالباً لازم هستند.
- له حرفان زائدان. (ت - الف)

اِسْتَفْعَلَ، يَسْتَفْعِلُ، اِسْتَفْعِلُ، اِسْتَفْعَالٌ

استفعال

- معمولاً برای طلب و درخواست به کار می روند.
- له ثلاثة حروف زائدة. (الف - س - ت)

نکات

باب‌های مشابه

افتعال و انفعال

روش تشخیص

- «ن» اصلی باشد ← افتعال
- «ن» زائد باشد ← انفعال

افتعال و استفعال

روش تشخیص

- «س» اصلی باشد ← افتعال
- «س» زائد باشد ← استفعال

تفعل

روش تشخیص

- «للمخاطب / للغائبة» زائد باشد ← تفعیل
- «للمخاطب» باشد ← تفعل

زمان

- ماضی یا امر باشد ← تفعل
- مضارع باشد ← تفعیل

تفاعل

روش تشخیص

- «للمخاطب / للغائبة» زائد باشد ← مفاعلة
- «للمخاطب» باشد ← تفاعل

زمان

- ماضی یا امر باشد ← تفاعل
- مضارع باشد ← مفاعلة

باب تفعل و تفاعل
(تَفَعَّلَ، تَفَعَّلَا، تَفَعَّلُوا)
(تَفَاعَلَ، تَفَاعَلَا، تَفَاعَلُوا)

روش تشخیص

- «مخاطب» باشد ← امر
- «غایب» باشد ← ماضی

مشابهت امر و ماضی

سایر باب‌ها

روش تشخیص

- «مخاطب» باشد ← امر
- «غایب» باشد ← ماضی
- «کسره» داشته باشد ← امر
- «فتحه» داشته باشد ← ماضی

عین الفعل

لازم و متعدی

متعدی ← دارای مفعول

باب‌های «إفعال، تفعیل و استفعال» ← غالباً متعدی‌اند.

استثناء

أفلح (رستگار شد)، غتی (آواز خواند)، أساء (بدی کرد)، أمکن

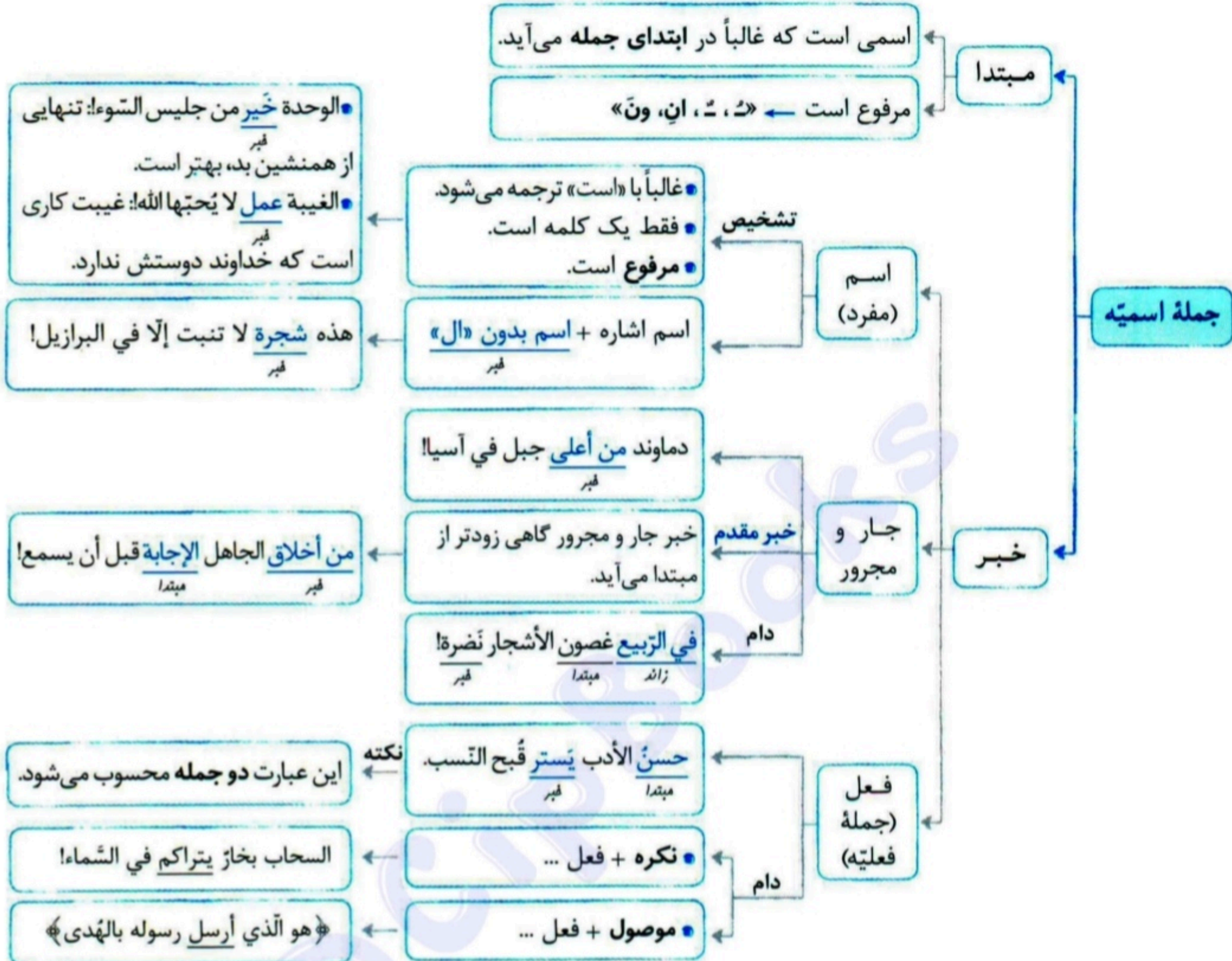
لازم ← بدون مفعول

باب «انفعال» ← همیشه لازم
باب «تفاعل» ← غالباً لازم

استثناء

تناول (خورد)، تعاهد (به عهده گرفت)

عصير القواعد



جمله فعلیه

تعریف

هر فعل معلوم یا مجهول نشان دهنده یک جمله فعلیه است.

تعداد جملات فعلیه = تعداد فعلها (معلوم و مجهول)

فاعل

شناخت

- چه کسی + فعل؟
- چه چیزی + فعل؟

تلتئم جروح القَطِّ بسائل تُفرزه عُدد في لسانه! فاعل

مشخصات

- از نظر جنس با فعل مطابقت دارد.
- مرفوع است ← «ت، ث، ان، ون»
- هرگز قبل از فعل نمی آید.

(زخم های گربه با مایعی بهبود می یابد که غده هایی در زبانش آن را ترشح می کنند)

انواع

اسم ظاهر

فقط در للغائب و للغائبة

ضمیر بارز

شناسه آخر فعل (غیر از «ث»)

ضمیر مستتر

فعل های بی شناسه

نکات

فاعل فقط یک کلمه است.

اجتمع كُلُّ التلاميذ في المجتمع! فاعل

در حضور فاعل، فعل مفرد می آید.

شاهدوا الغواصون مئات المصاييح في البحر! فعل فاعل

مفعول به

منصوب

«ت، ث، ين، ين»

تشخیص

مفعول یا متمم فارسی

﴿أرسلنا إلى فرعون رَسُولاً فَعَصَى فرعونَ الرَّسُولَ﴾ مفعول

پیامبری را به سوی فرعون فرستادیم و فرعون از آن پیامبر نافرمانی کرد.

نکته

فعل + ضمیر اضافی مفعول

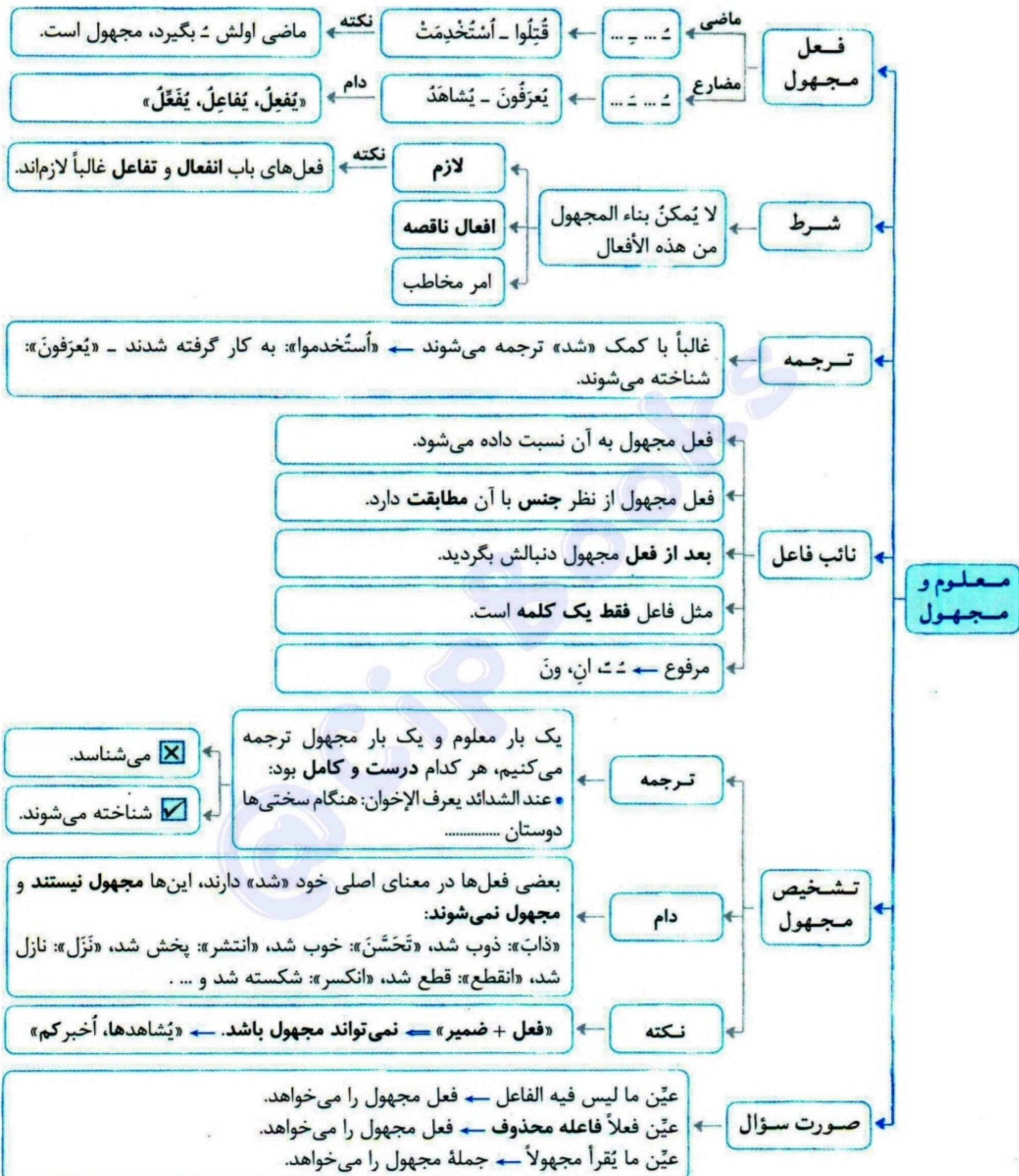
- فعل لازم ← مفعول ندارد.
- فعل متعدی ← مفعول دارد.

- فعل غیر ماضی + نا ← «نا» حتماً مفعول است.
- ماضی + نا ← شاهدنا (نا: فاعل) شاهدنا (نا: مفعول)

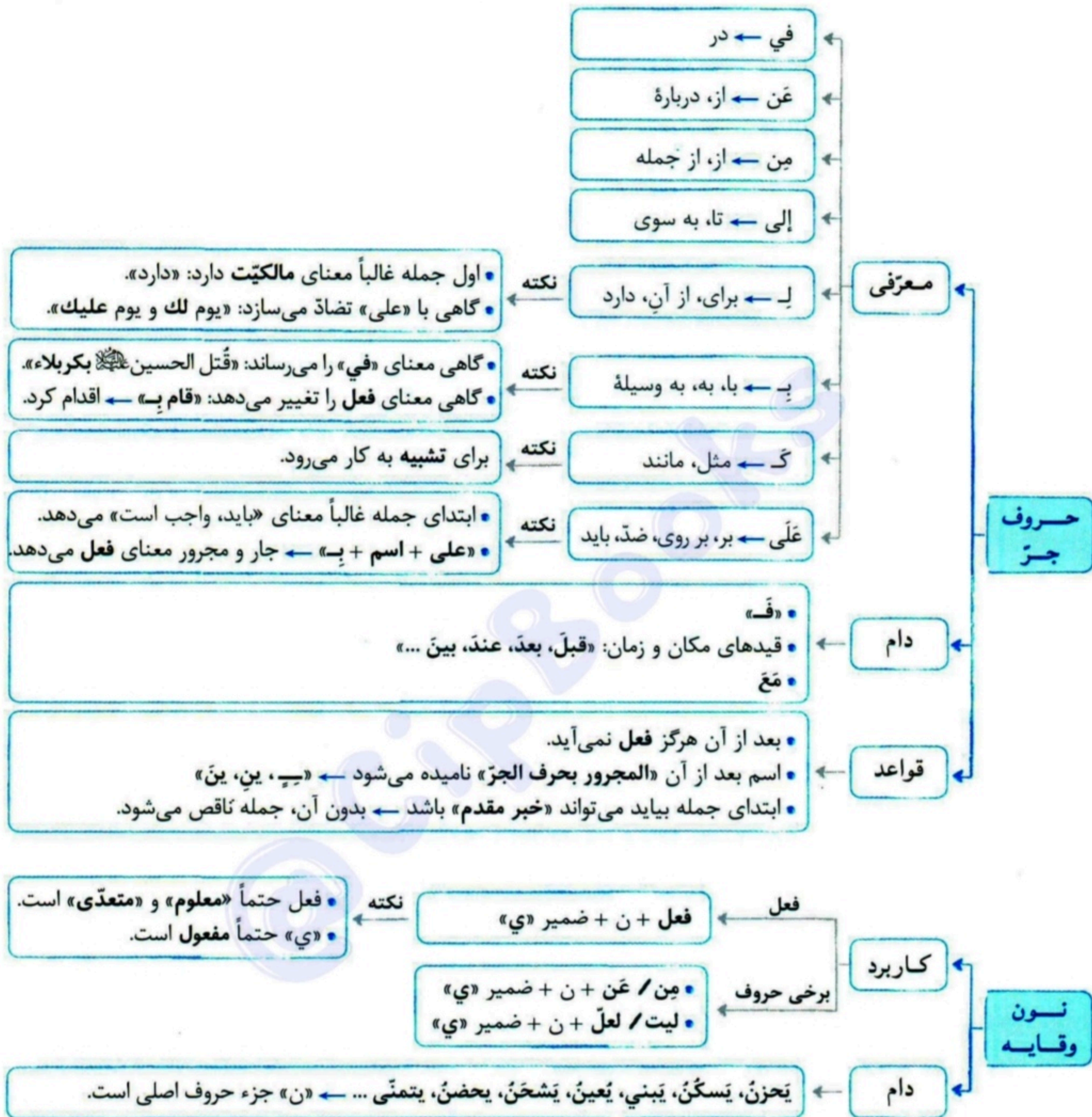
عصیر القواعد



عصیر القواعد



عصير القواعد



عصیر القواعد



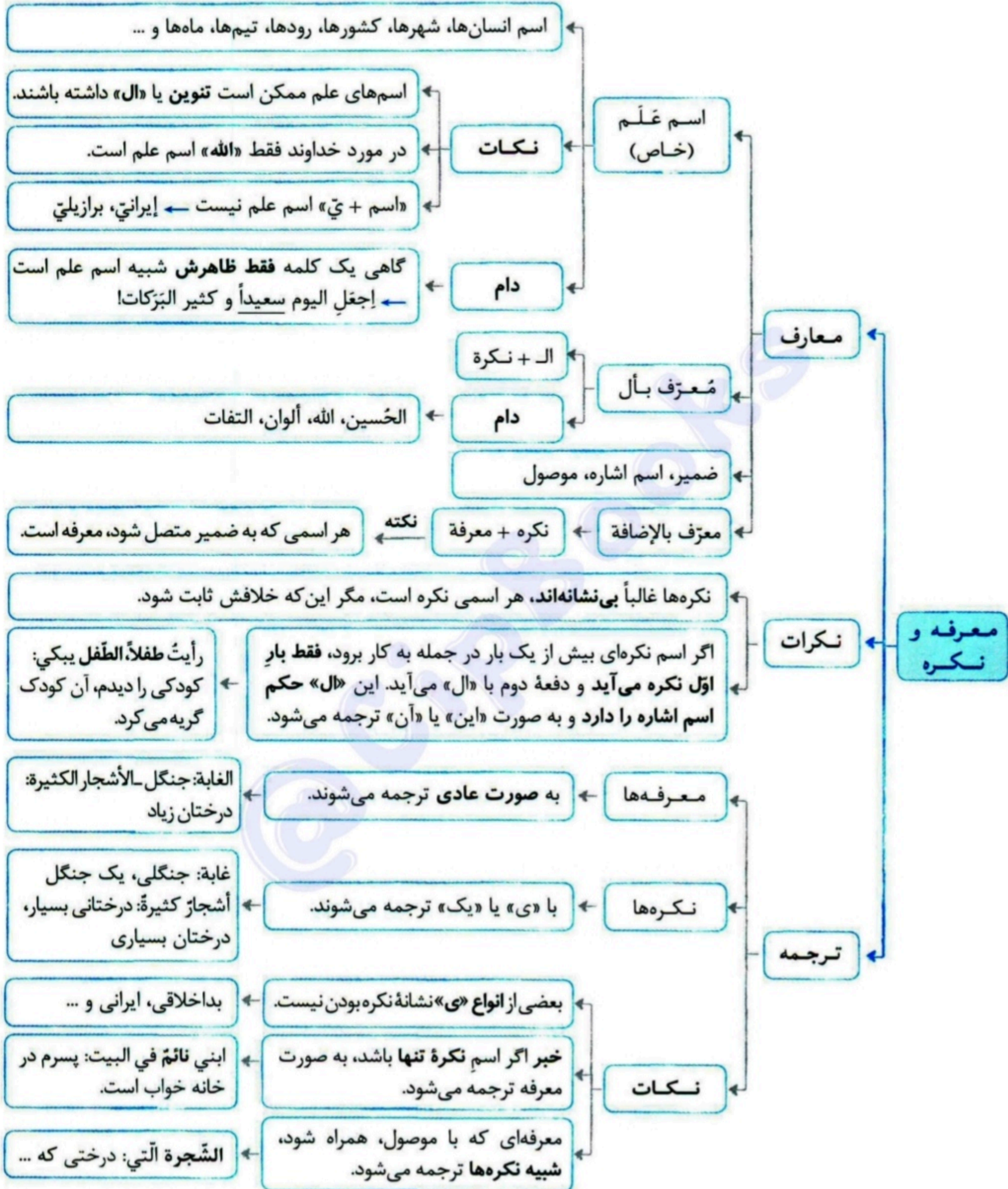
عصير القواعد



عصیر القواعد



عصير القواعد



حرف «آن» وقتی با «لا»
بیاید معمولاً به صورت
«آلا» نوشته می‌شود!

گاهی همراه اسم یا فعل
ماضی می‌آید که در آن
صورت حرف ناصبه نیست!

عوامل مؤثر بر
فعل مضارع

حروف ناصبه

آن

لن

گی

حتی

لی

- معنی «برای این که» می‌دهد!
- معمولاً بعد از یک جمله کامل می‌آید!
- برای علت آوردن به کار می‌رود.

این حروف (به غیر از «لن») وقتی با مضارع بیایند، مضارع التزامی می‌سازند.

برای ایجاد مستقبل منفی به کار می‌رود.

تأثیر ظاهری

فعل‌های «ن» دار

فعل‌های بدون «ن»

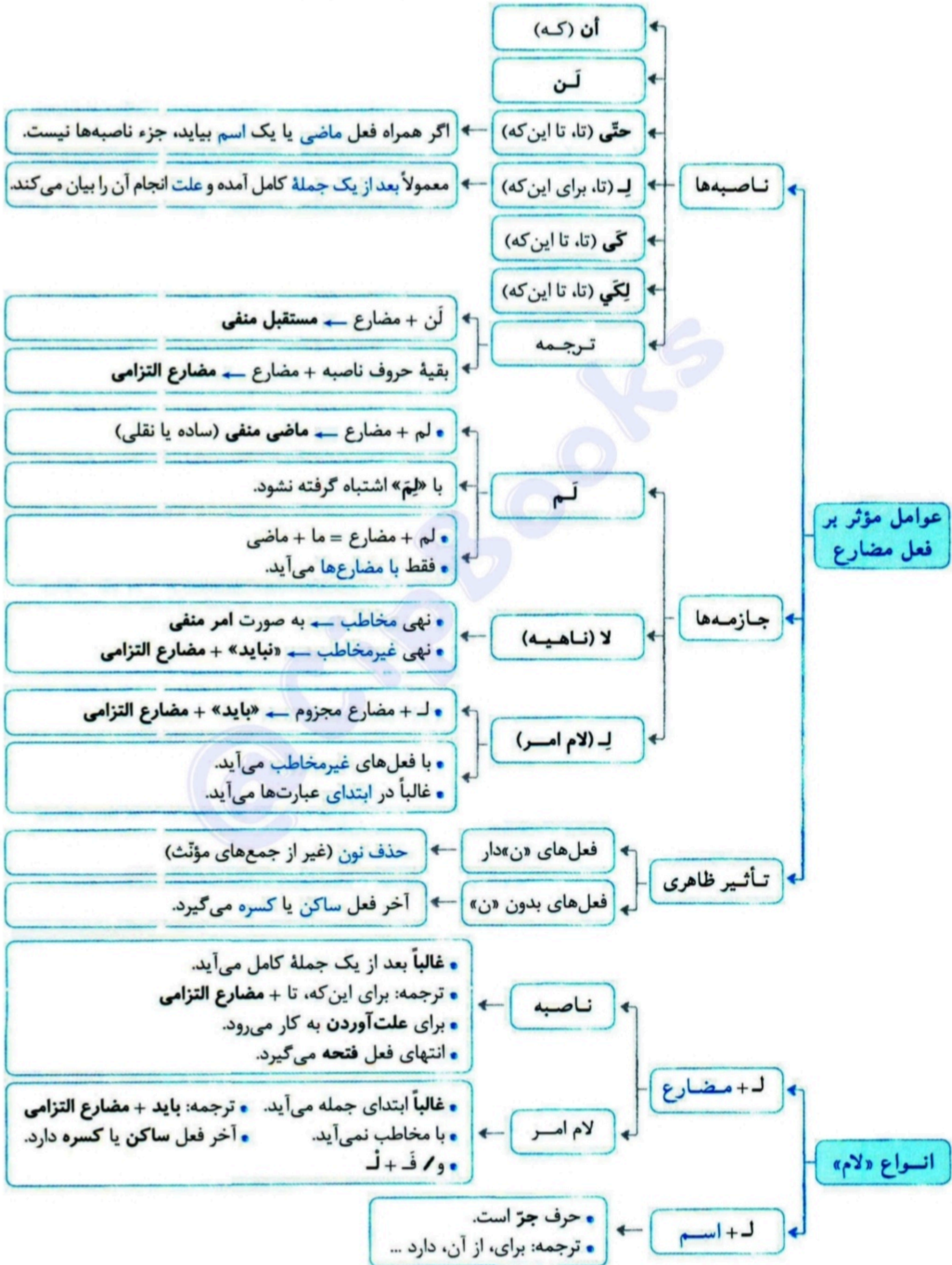
حذف نون (غیر از جمع‌های مؤنث)

آخر فعل فتحه می‌گیرد.

عصير القواعد

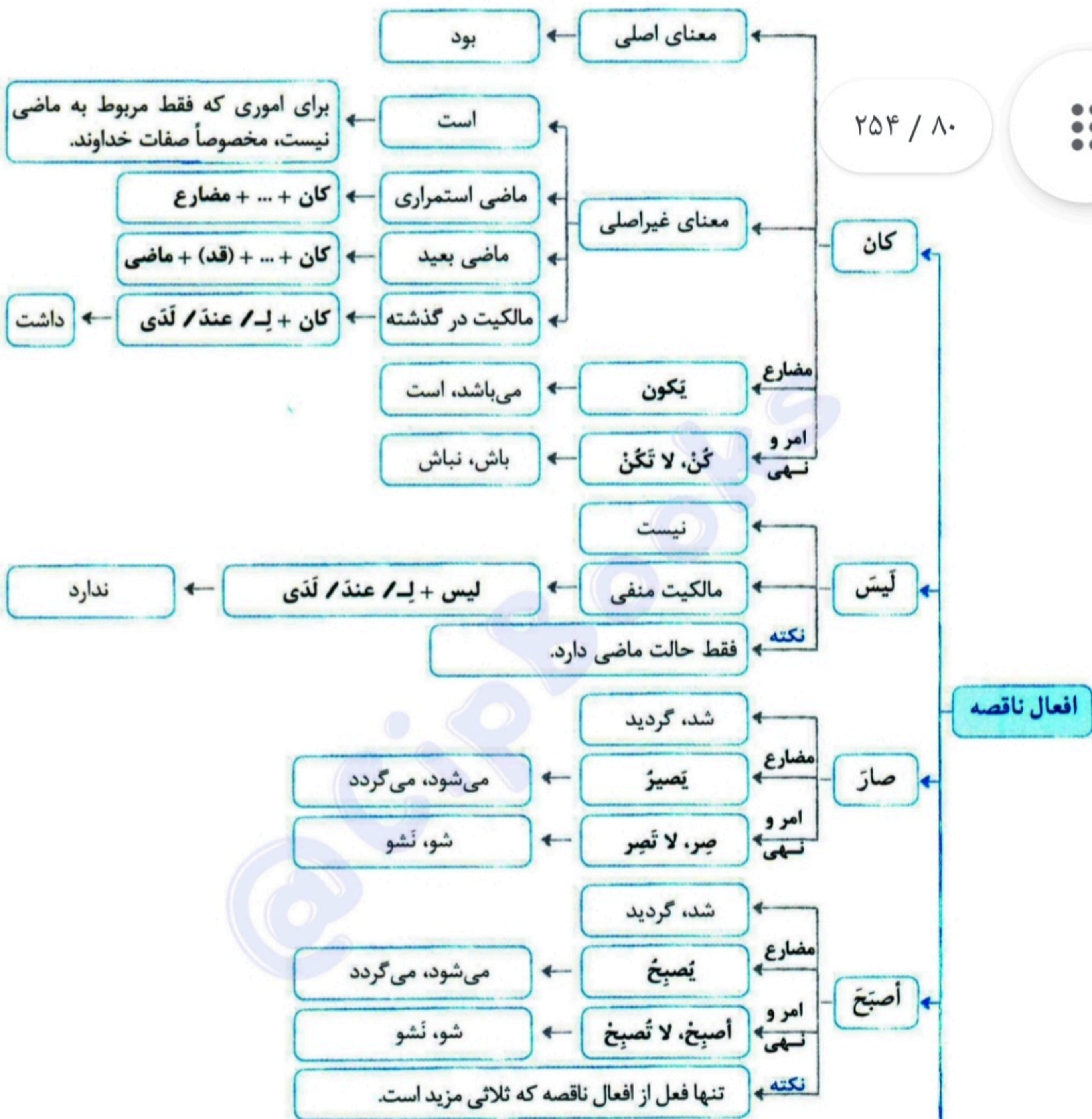


عصیر القواعد



عصیر القواعد

۲۵۴ / ۸۰



این افعال همراه جملات اسمیه می آیند و اسمشان مرفوع و خبرشان منصوب است.

قاعده

عصیر القواعد

حروف مشبهة بالفعل

إِنَّ

در ترجمه باید اول جمله بیاید.

همانا، یقیناً ...

اگر به شکل «إنما» بیاید، معنایش تغییر می‌کند: «فقط، تنها و ...»

بر کل جمله پس از خود تأکید می‌کند ← یؤكد على كل جملة بعدها.

أَنَّ

که

وسط دو عبارت می‌آید و آن‌ها را به هم وابسته می‌کند. ← يربط الجملتين.

اما، ولی

وسط دو عبارت می‌آید برای کامل کردن جمله اول و رفع ابهام از آن. ← يكمل جملة قبله و يرفع الإبهام عنه.

آن را با «لكن» اشتباه نگیرید.

لَكِنَّ

گویی، مانند، همچون و ...

گاهی برای تشبیه و گاهی برای حدس و گمان و تردید به کار می‌رود. ← للتشبيه أو للظنّ و التخمين

كَأَنَّ

کاش، ای کاش

برای بیان آرزوهای محال یا غیرممکن به کار می‌رود. ← لتمني غير ممكن أو ما لا نرجو وقوعه.

لَيْتَ

• لیت ... + مضارع ← مضارع التزامی
• لیت ... + ماضی ← ماضی استمراری یا بعید

شاید که، باشد که، امید است که

برای بیان امیدواری در امور همراه با تردید ← للرجاء (ترجّی) و التردّد

لَعَلَّ

لعلّ ... + مضارع ← مضارع التزامی / لعلّ ... + ماضی ← ماضی التزامی

قواعد کلی

- این حروف با جمله اسمیه می‌آیند و اسم و خبر دارند.
- اسمشان منصوب و خبر آن‌ها مرفوع است.
- هیچ وقت نباید همنشین فعل باشند. (لیت ترجع ... ← غلط)
- با حضور در کنار ضمیر منفصل هم مشکل دارند. (كأنّ أنت ... ← غلط)

انواع «لا»

نفي جنس

ناهیہ

لا + فعل مجزوم

فعل مخاطب

ترجمہ

• به صورت امر منفی ترجمہ می شود.
• آوردن «نباید» ممنوع!

نافیہ

لا + فعل غیر مجزوم

فعل غیر مخاطب

ترجمہ

«نباید» + مضارع التزامی

ترجمہ ← به صورت مضارع منفی ترجمہ می شود.

نکتہ

• حروف ناصبہ + لا + مضارع ← حتماً «لا» نافیہ است.
• گاهی مصدرها خودشان را به جای فعل قالب می کنند.

ترجمہ

هیچ ... نیست / وجود ندارد

نکتہ

گاهی ترجمه اش ضروری نیست: «لا شكَّ، لا بأس و ...»

تشخیص

لا + اسم

نکتہ

بعد از آن «ال»، تنوین و معرفه ممنوع!

کاربرد

مفهوم «نفي كامل و شديد» را دارد.

قواعد

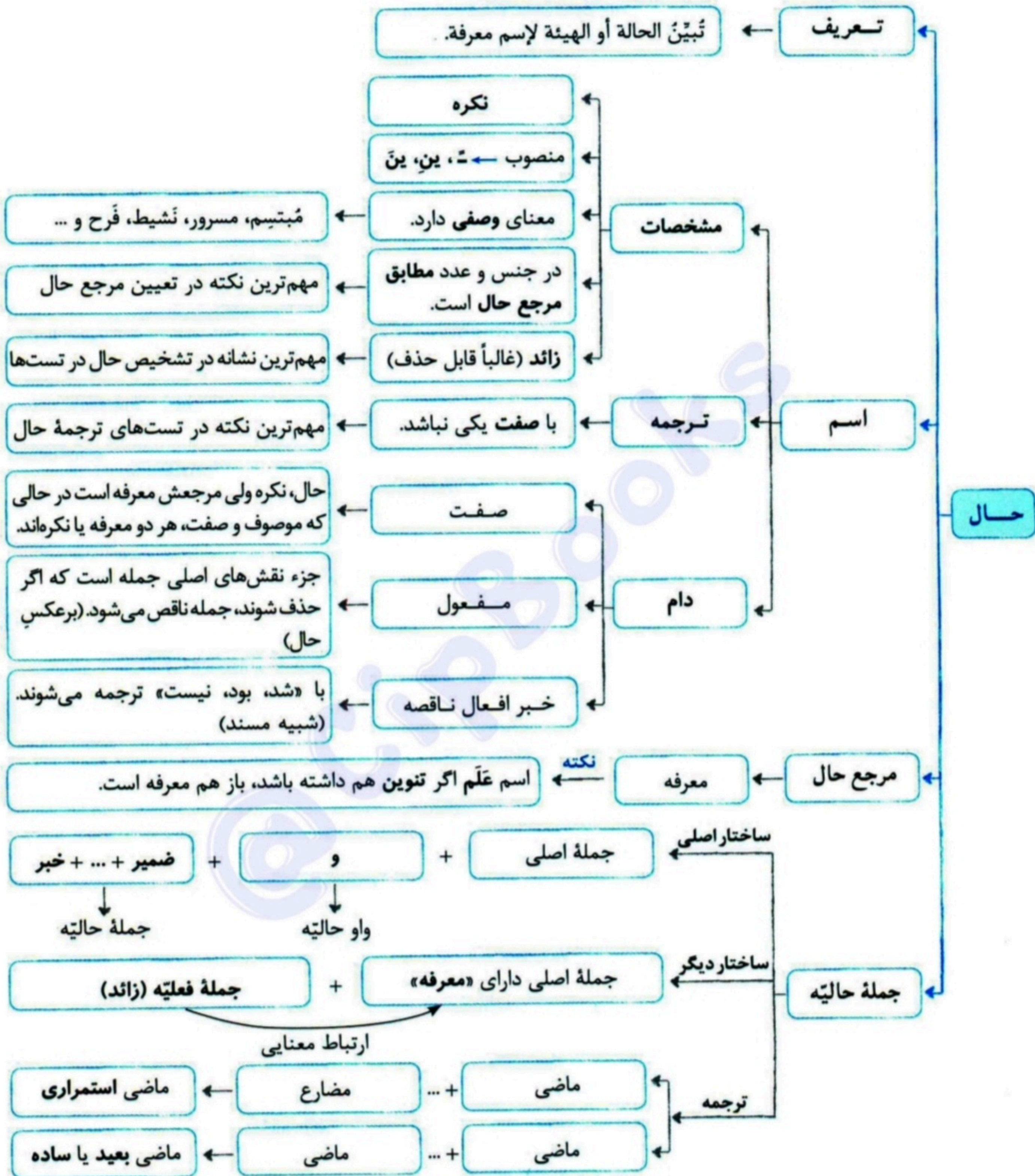
• اسم «لا» غالباً مفرد بوده و فتحه دارد.
• خبر «لا» مرفوع است.
• خبر «لا» گاهی محذوف است: «لا إله إلا الله»

به معنای «نه»

گاهی در جواب «هل» یا «أ» می آید.

گاهی همراه اسم «ال» دار یا تنوین دار می آید. (يوم لا بیع فيه و لا خلة / أريد الفرشاة لا المنشفة)

عصیر القواعد



عصیر القواعد



عصیر القواعد



عصیر القواعد

